

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال سوّم، شماره ۱۱، پاییز ۱۳۹۲ هـ ش / ۱۴۳۴ هـ ق / ۲۰۱۳ م، صص ۱۱۵-۱۳۴

حماسه حسینی در گستره ادبیات تطبیقی نگاهی بر مجموعه شعر «الحسین لغة ثانية» و «گنجشک و جبرئیل»^۱

سید رضا نجفی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، ایران

اصغر شهبازی^۳

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

حماسه عظیم امام حسین (ع) در ادبیات عربی و فارسی، بازتابی بس گسترده دارد. این حماسه به دلیل ماهیت عزّت‌مدار و ظلم‌ستیز خود، به عنوان الگویی ممتاز در برابر ادیبان و سخنوران قرار گرفت. بسیاری از آن‌ها با الگوگیری از این حماسه، نوای پایداری، آزادی و بیداری را در جامعه نواختند. می‌توان این سروده‌ها را در گستره ادبیات تطبیقی، بررسی و تحلیل کرد تا ضمن نقد، نشانه‌های پیوند و اختلاف آن‌ها روشن گردد. در نوشتار حاضر، ضمن تبیین بازتاب حماسه عاشورا در گستره ادبیات تطبیقی، سروده‌های جواد جمیل و سید حسن حسینی، به عنوان نمایندگان شعر عاشورایی عراق و ایران، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. جمیل، شاعر نام‌آشنای شعر و ادب امروز عراق، در دفتر شعرش به نام «الحسین لغة ثانية» (حسین، زبان دوّم)، با زبانی نمادین حماسه عاشورا و شخصیت‌های موجود در آن را به تصویر می‌کشد. حسینی نیز ضمن بهره‌گیری فراوان از رمز در مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل»، به بازخوانی این حماسه پرداخته و آن را به حوادث امروز گره می‌زند. از بررسی حاصل، چنین به نظر می‌آید که هر دو شاعر در برخی مضامین اشتراک داشته و به دلیل به کارگیری نمادها، گاه شعرشان به ابهام گرایش دارد.

واژگان کلیدی: جواد جمیل، سید حسن حسینی، ادبیات تطبیقی، حماسه حسینی.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۱۵

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۵/۱۷

۲. رایانامه نویسنده مسئول: Rezanajafi84@yahoo.com

۳. رایانامه: Aliasghar.shahbazi@gmail.com

۱. مقدمه

کشف پیوند ادبی کشورها و ملل گوناگون، از موضوعات مطرح در حوزه ادبیات تطبیقی است. تبیین این پیوندها و نقاط تلاقی در پژوهش‌های تطبیقی، در رشد و بالندگی ادبیات کشورها تأثیری مهم دارد. تأثیرپذیری از حماسه امام حسین (ع) و ترسیم ارزش‌ها و مفاهیم والای آن، جلوه‌ای خاص در ادب تازی و فارسی دارد. این سروده‌ها در ادب تازی، هم‌پای حادثه شکل یافته و در سده‌های اول و دوم هجری توسط شاعرانی متعهد، رو به بالندگی نهاد؛ ولی در ادب فارسی، این نوع شعر به دیرپایی آن در نزد تازیان نیست و به اعتقاد اهل نظر، آغاز آن «با زمان آغاز شعر فارسی فاصله‌ای ندارد و نخستین شاعر مرثیه‌سرا، معاصر با رودکی، مشهور به پدر شعر فارسی است» (کافی، ۱۳۸۶: ۱۸۹)، به هر روی، بعدها این سروده‌ها به اندازه‌ای رشد می‌یابند که به اعتقاد برخی چون جواد شبر، نگارنده کتاب *ادب الطّف*، بیش از صدها مجلد برای گردآوری تمام این نوع از سروده‌ها در گذر تاریخ نیاز است (ر.ک. شبر، ۱۴۰۰: ۱۸).

مضامین سروده‌های حسینی، امروز دیگر چون گذشته، همچون دوره صفوی که غالب آن در مرثیه و سوگ خلاصه می‌شود نیست. بهره‌گیری از ارزش‌های آن واقعه؛ چون پایداری و مبارزه با ظلم، از موضوعاتی است که در سروده‌های امروز بیش‌تر خودنمایی می‌کند. موضوعاتی از این دست را در شعر شاعر مقاومت عراق، جواد جمیل و شاعر برجسته حوزه شعر عاشورایی ادب فارسی؛ یعنی سید حسن حسینی شاهدیم. این دو شاعر، با بیانی نو و زبانی آمیخته با نمادها، به توصیف حماسه امام حسین (ع) پرداخته و هر یک اثری مستقل در این زمینه بر جای نهاده‌اند. «الحسین لغة ثانية» اثری است که جواد جمیل در آن می‌کوشد تا عظمت این واقعه را با زبانی غیر از زبان گذشته که «لغة ثانية» (زبان دوم) نام نهاده است، بیان کند. این گرایش در شعر سید حسن حسینی؛ یعنی در مجموعه «گنجشک و جبرئیل» تا حدودی مشهود است. با توجه به این مطالب، در این نوشتار با مروری گذرا بر زندگی‌نامه و محتوای کلی سروده‌های هر دو، تلاش می‌شود به پرسش‌های زیر پاسخی روشن داده شود:

الف: حماسه امام حسین (ع) در شعر معاصر عراق و ایران چه جایگاهی دارد؟

ب: برجسته‌ترین ویژگی‌های فنی دو مجموعه شعر «الحسین لغة ثانية» و «گنجشک و جبرئیل» کدامند؟

ج: جمیل و حسینی چه اشتراکات و تمایزاتی در پرداختن به حماسه عاشورا دارند؟

گفتنی است، با توجه به مکاتب مختلف حوزه‌های پژوهش در ادبیات تطبیقی؛ همچون مکتب فرانسوی، آمریکایی و روسی، نوشتار حاضر به حوزه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی نزدیک است؛

چه آنکه این مکتب، نقد و تحلیل را مبنای کار خود می‌داند و قائل به وجود تأثیر و تأثر، میان دو ادیب نیست؛ حال آنکه در مکتب فرانسوی، وجود این شرط ضروری است؛ به دیگر سخن، ادبیات تطبیقی در نگاه پیشگامان مکتب فرانسه، بررسی جوانب تأثیر و تأثر بر مبنای اسناد و وثائق تاریخی است (ر.ک. پروینی، ۱۳۹۱: ۴۹).

۲-۱. پیشینه پژوهش

از پژوهش‌های تطبیقی که به بررسی تأثیر حماسهٔ امام حسین (ع) در ادبیات پرداخته‌اند، می‌توان به آثاری چون: *مقدمه فی الأدب الإسلامي المقارن* (مکی، ۱۴۱۴) و *کریلا بین شعراء الشعوب الإسلامية* (حسین مجیب مصری، ۱۴۲۱) اشاره کرد. پژوهشگرانی نیز در قالب مقاله به تحلیل سروده‌های عاشورایی ادب فارسی و عربی اهتمام داشته‌اند که می‌توان از نگاه‌هایی چون: «نقد و مقایسهٔ تصویرپردازی (تشبیه) هنری در شعر عاشورایی فارسی و عربی» (میرحسینی و انصاری، ۱۳۸۸) و «سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی با تکیه بر اشعار برجستهٔ شاعران سدهٔ اخیر» (آلبویه و انصاری، ۱۳۸۹) یاد کرد. در بررسی سروده‌های عاشورایی این دو سراینده نیز آثاری به طور مستقل نگاه‌شده است که در قسمت کتابنامه به برخی از آن‌ها اشاره گردید؛ ولی در راستای نقد تطبیقی مجموعه شعر «الحسین لغة ثانية» و «گنجشک و جبرئیل»، به عنوان آثار برجستهٔ عاشورایی معاصر، پژوهشی ملاحظه نشد که امید است این مختصر، گامی خرد در این راستا باشد.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. عاشورا در گسترهٔ ادبیات تطبیقی

حادثهٔ شهادت امام حسین (ع) و یارانش، از رویدادهای مهم تاریخی است که در سرزمین طف، واقع در عراق کنونی، به وقوع پیوست و بازتاب آن، افزون بر ادبیات این سرزمین، بر اندیشه و خیال دیگر ملل مؤثر افتاد؛ تا جایی که آثاری فراوان از سروده‌های عاشورایی در زبان‌های مختلف؛ چون ترکی، اردو و غیره گام به عرصه نهاد. ادب فارسی نیز به تأثیر از شعر عربی، عرصه‌ای پهناور - بویژه پس از عصر صفوی - برای شعر حسینی شد (مکی، ۱۴۱۴: ۳۹۳).

گفتنی است که با همهٔ گستردگی این حماسه در پهنهٔ زمان، همواره از یک منظر به آن نگریسته نشد و توزیع آن در زمان، موجب تأثیرپذیری آن از شرایط سیاسی، اجتماعی و اقلیمی گشته و در هر برهه، جلوه‌هایی گوناگون از آن آشکار شد؛ از این رو، مضامین و اغراض گوناگونی در این اشعار شاهدیم. گاه دردناکی حادثه، عاطفه و احساس درونی شاعر را برانگیخته و غرض رثا و مرثیه‌سرایی را

بالنده ساخت. گاه نیز بزرگداشت یاد امام (ع) و توجه به کرامت‌ها و علم و حکمت ایشان، موضوع مدح و ستایش در اشعار را تقویت کرد. جنبه‌های حماسی عاشورا، شجاعت‌ها و فداکاری‌ها در میدان نبرد هم در قالب اشعار حماسی و در پی پاسخ به روحیه حماسی برخی از شاعران، جلوه گر شد. یاد نام و نهضت امام حسین (ع) نیز به عنوان الگوی نهضت‌ها، دریچه‌ای دیگر از ادبیات را در طی تاریخ فرا روی مخاطبان گشود که شعر مقاومت در عصر حاضر، از آن جمله است (نک: محمدزاده، ۱۳۸۳: ۳۲-۳۳).

با توجه به این مطلب، درون‌مایه و مضامین سروده‌های عاشورایی را باید در اغراضی چون: رثا، مدح، حماسه و هجو دسته‌بندی نمود و پیام کلی این اشعار را یادآوری جایگاه و عظمت سرور شهیدان دانست. این پیام‌ها و ارزش‌های موجود در این سروده‌ها، در ظلم‌ستیزی و بیداری مردم جامعه بس مؤثر است؛ به دیگر تعبیر: «كَانَ الشَّعْرُ الْحُسَيْنِيِّ وَلَا يَزَالُ يُدَوِّي فِي صَمِيرِ التَّارِيخِ، وَيُلْهَبُ الثُّمُوسَ وَيُوقِظُ النَّائِمِينَ وَيُنْبِئُهُ الْغَافِلِينَ وَالَّذِينَ غَمِتْ عَلَيْهِمُ الْحَقِيقَةُ، وَلِتَضْحُوكُلْ نَفْسٌ مِنْ سُبَاتِمَا الْعَمِيقِ» (حسن، ۱۴۱۸: ۱۸۷).

۲-۲. عراق و ایران، پایگاه شعر حسینی معاصر

با نگاهی به گستره سروده‌های عاشورایی معاصر در میان کشورهای اسلامی، به نظر می‌رسد عراق و ایران از پایگاه‌های برجسته این نوع سروده‌ها باشند. عواملی چون: حضور گسترده مجانبان اهل بیت (ع) در این دو کشور و برگزاری مراسم عزاداری و روضه‌خوانی، زمینه را برای شکوفایی این سروده‌ها فراهم آورده است. سرزمین عراق که در شعر و ادیب‌پروری شهره است (نخبة من الباحثين العراقيين، ۱۹۸۵: ۲۹۱)، در دهه‌های اخیر شاهد موجی نو از ادیبانی است که روحیه انقلابی در تار و پود شعرشان موج می‌زند و رویکردهای سیاسی و انقلابی بر شعرشان سایه افکنده است. این سرزمین، «به عنوان موطن اصلی کربلا، از آغاز شکل‌گیری این نهضت و در طول تاریخ، شاهد درخشش شاهکارهای شعری بسیاری بوده است؛ از این رو می‌توان ادعا کرد، شعر مقاومت عراق در میان کشورهای عربی، گوی سبقت را در زمینه خلق این گونه از آثار از دیگران ربوده است. مجموعه چند جلدی (شعراء الغری) که تنها به گردآوری آثار برجستگان شعر و ادب شهر نجف پرداخته، تنها نمونه‌ای از این دریای گسترده ادب است» (انصاری، ۱۳۹۲: ۴۴).

شعر عاشورایی معاصر فارسی، چون همتای خود در عراق، با رویکردهای سیاسی و انقلابی همراه بوده است. پیروزی انقلاب و حادثه هشت سال دفاع مقدس، پیوندی تمام با این اشعار دارد. سروده‌های این دوره شکوفا و بالنده، به ابعاد مختلف حماسه اشاره دارند؛ به عبارت دیگر، «در هیچ دورانی از هزار

سال شعر فرهیخته و بالندهٔ فارسی، شعر عاشورایی گسترش، ژرفا و نگاه همه‌سو نگرانه چون روزگار ما به خود ندیده است. چهار بُعد حادثهٔ عظیم عاشورا یعنی سوگ، حماسه، اندیشه و عرفان، در هیچ عصری به روشنی و زیبایی عصر ما در شعر حضور نیافته است» (سنگری، ۱۳۸۵: ۱۴).

۲-۳. گذری کوتاه بر زندگی نامهٔ دو سراینده

۲-۳-۱. زندگی نامه جواد جمیل

جواد جمیل، سخن‌سرای نام‌آشنای شعر و ادب امروز عراق که در صحنه‌های سیاسی به نام «حسن سنید» شناخته شده است، در سال ۱۹۵۴ م در شهر سوق الشیوخ، واقع در استان ناصریه، در جنوب سرزمین عراق دیده به جهان گشود. وی در رشته مهندسی شهرسازی دانش آموخته شد. نخستین اشعار خود را در همان اوان نوجوانی، در روزنامه دیواری‌های مدرسه به نشر رساند و با آشنایی با ادب معاصر و کلاسیک عربی و عشق‌ورزی به این میراث، قدم در راه بزرگان این سرزمین ادیب‌پرور نهاد. وی به دلیل فعالیت‌های سیاسی و مبارزه با رژیم عراق، روانهٔ زندان شد و انتشار اشعارش ممنوع گردید. جمیل از سال ۱۹۸۱ م در میان کشورهای سوریه، عربستان، لبنان و ایران در رفت و آمد بوده است (نک: هیئه المعجم، ۱۹۹۵: ۷۰۶).

برخی از سروده‌های او در مجله‌های «المرفأ» و «الزباطة» که از مجلات معتبر ادبی عراق به شمار می‌آیند، به چاپ رسیده است. او هم‌اکنون سردبیر مجلهٔ «الهدی للأطفال» است و در انجمن‌های ادبی عراق، اتحادیهٔ ادبای عرب و انجمن ادبیات اسلامی فعالیت دارد.

۲-۳-۲. دنیای اندیشه و محتوای شعر جمیل

جمیل، شاعری پویا و ترسیم‌گر اندیشه‌های والای انسانی است. بیشتر سروده‌های وی برآمده از روح سرکش و اندیشه‌های انقلابی اوست. دربارهٔ ویژگی‌های کلی اشعار او باید گفت که وی مضامینی را دست‌مایهٔ اندیشه و قلم خود قرار می‌دهد که با جامعهٔ خود پیوندی تمام دارد. بیان رنج ستمدیدگان، دعوت به قیام و پایداری، ظلم‌ستیزی و آزادی، از شالوده‌های مضامین شعری اوست. در نگاه، او رسالت اصلی شاعر بیان رنج‌ها و هم‌نوایی با مظلومان است:

«لِکي تَكُونُ شَاعِرًا / لَيْسَ مَهْمًا أَنْ تُجِيدَ الْأَجْرَ الْمُمَسَّقَهُ / لَكِنَّمَا الْمُهْمُ أَنْ تَلْتَهُمَ الشُّوْكَ بِكَفِّ / وَبِأُخْرَى زَنْبِقَهُ / لِکي تَكُونُ شَاعِرًا / يَكْفِي وَجُودَ الْقَلْبِ / وَدَمْعَةَ حَرِيٍّ لِيَوْمِ الصَّلْبِ» (جمیل، ۱۹۹۱: ۴۲).

با درنگی کوتاه در دفترهای شعری جمیل چون: «للثوار فقط» و «يسألونك عن الحجارة»، این نکته را به سهولت می‌توان دریافت که مبارزه و مقاومت سرلوحهٔ اندیشه‌های اوست. بسامد بالای واژه‌هایی چون:

جرح (زخم)، دمع (درد)، غَضَب (خشم)، دم (خون)، نار (آتش)، نصر (پیروزی) و مانند آن در سروده‌هایش، مؤید این نکته است.

حُبّ وطن و عشق‌ورزی به آن، از دیگر مضامین شعری جمیل است. او که مدّتی را به دلایل سیاسی دور از وطن و در غربت به سر می‌برد، از عشق عراق لبریز است:

«كُنْتُ تَسْأَلُنِي أُمْسٍ / مَاذَا يَهْرُ عُرُوقَكَ شَوْقًا لِنَحْلِ الْعِرَاقِ؟ / يَا صَدِيقِي! / أَ تَدْرِي بِأَنَّ الْفَرَاشَاتِ / وَهِيَ تُحَوِّمُ عَلَيَّ النَّارِ، مَا تَبْتَغِي؟ / إِنَّمَا لَا اشْتِيَاقًا إِلَى رِقَّةِ النُّورِ تَهْفُو / وَلَكِنْ إِلَى لَذَّةِ الْاِحْتِرَاقِ» (همان: ۱۱۴).

از جمله آثاری که از وی به نشر رسیده است، می‌توان به مجموعه‌های «صَدَى الرَّفْضِ وَالْمَشْتَقَةِ»، «لِلشُّوَارِ فَقَطْ»، «يسألونك عن الحجارة»، «شظايا البحر وحكايا المنفى»، «أشياء حذفها الرقابة» و «الحسين لغة ثانية» اشاره کرد.

۲-۳-۳. زندگی‌نامه سید حسن حسینی

سید حسن حسینی (۱۳۳۵ هـ ش - ۱۳۸۳ هـ ش) در خانواده‌ای متوسط در تهران، دیده به جهان گشود. در اوان نوجوانی، آشنایی وی با سروده‌های شاعرانی چون پروین اعتصامی، بذرخن سرایی را در دلش پروراند. نخستین خیال‌های ادیبانه‌اش در قالب شعر و نثر ادبی، در مجلاتی چون «مجله فردوسی» دیده می‌شود. وی پس از آنکه در رشته تغذیه از دانشگاه مشهد دانش آموخته شد، به دلیل شوق فراوان به ادبیات، تحصیلات خود را تا دریافت مقطع دکتری ادبیات فارسی ادامه داد و مدّتی را به تدریس گذراند؛ ولی در سال ۱۳۷۸ هـ ش از تدریس کناره گرفت و در واحد ویرایش رادیو مشغول به کار شد (ذوالفقاری، ۱۳۸۶: ۶۵۴). در نگاه وی ادبیات، هنری ماندگار و به دور از تمامی اغراض است؛ از این رو می‌گوید: «دام ادبیات، برای من دامی دوست‌داشتنی است و مستدام باد! که مسبوق به هیچ غرض و مرضی نیست» (نادمی، ۱۳۸۷: ۷۳).

علاقه به فعالیت در حوزه‌های فرهنگی و ادبی باعث شد که حسینی به همراه دیگر دوست شاعر خویش، قیصر امین‌پور، جایزه ادبی نیما یوشیج را از آن خویش کند. سال‌های پایانی زندگی این شاعر و مترجم دوران انقلاب، در فعالیت‌های ادبی و فرهنگی سپری گشت و سرانجام، در هشتم فروردین ماه سال ۱۳۸۳ هـ ش، چراغ عمر او خاموش شد.

۲-۳-۴. دنیای اندیشه و محتوای شعر حسینی

حسینی از چهره‌های شاخص ادبی دوره انقلاب است و عمده شهرت وی، مرهون دو مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل» و «هم صدا با حلق اسماعیل» است. توجه به موضوعاتی چون: شهادت و

ایثارگری، عشق و ایمان و پایداری، نام وی را در شمار بزرگان شعر انقلاب به ثبت رسانده است؛ به گونه‌ای که خود می‌گوید: «نامم مثل قیصر امین‌پور، با شعر انقلاب و جنگ و ادبیات پس از انقلاب به گونه‌ای مراعات‌النظیر است» (نادمی، ۱۳۸۷: ۷۳). وی مایه‌های شعر خود را از انقلاب می‌گیرد و ادیبانه در خیال خود پرورانده و با زبانی شاعرانه و هنری بیان می‌دارد. تصاویر شعر وی با عاطفه و احساسی عمیق آمیخته است. این تصاویر در ترسیم موضوعات آیینی پُر رنگ جلوه می‌کنند و خبر از عشقی پاک در نهاد شاعر می‌دهند؛ برای نمونه در سرودهٔ «قطعهٔ شهدا» می‌خوانیم:

«گفتم: این سخنوران که بی‌صدا غنوده‌اند / وه چه خوب و خواندنی سروده‌اند / قطعه‌ای بلیغ و ناب / جاودان سروده‌ای به رنگ عشق و آفتاب / قطعه‌ای که هیچ شاعری نگفت / بهترین ترانه‌ای که گوش آسمان شنفت / جان من نثارشان / آفتاب شعر من همیشه سایه‌سارشان! / گفتم با تبسمی به رنگ غم / ... باز / بر لب خموششان ترانه است / اشک را مجال‌های و هو مده / گوش کن به چشم خود! / در مسیر داده‌های نوحه‌گر / بی‌امان به سوی جبهه می‌وزد / پرچم مزارشان / گفتم و بغض من شکفت» (حسینی، ۱۳۸۸: ۸۲).

در نگاه وی، شاعری رسالتی پاک و مقدس است که می‌بایست از تمام قید و بندهای مادی پالوده گردد. بسیاری از نقدهای گزندهٔ وی متوجه سوداگرانی است که شعر را وسیله‌ای برای شهرت و مکتب خویش قرار داده‌اند؛ از این رو در شعری با عنوان «ترحم» می‌گوید:

«شاعری خرما را / با خدا قافیه کرد / تاجران رحم به حالش کردند / ناقدان شاعر سالش کردند!» (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۶)

از این شاعر و نویسندهٔ کوشای معاصر آثاری چون: «هم‌صدا با حلق اسماعیل»، «ملکوت سکوت»، «نوشداروی طرح ژنریک»، «براده‌ها»، «طلسم سنگ»، «بیدل، سپهری، سبک هندی»، «از شرابه‌های روسری مادرم» و «گنجشک و جبرئیل»، برجای مانده است.

۳. مقایسه و تطبیق

جمیل و حسینی با اختلاف چند ساله دیده بر جهان می‌گشایند. هر دو در خانواده‌ای متوسط رشد کرده و در رشته‌ای دانشگاهی که از علاقهٔ آن‌ها دور بود، تحصیل می‌کنند. طبع شاعرانه و ذوق درونی، هر دو را به دام ادبیات می‌کشاند. حضور پُر رنگ در عرصهٔ اجتماع و اهتمام به فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی، به هر دو شاعر شخصیتی مردمی بخشیده است. جمیل به دلیل فعالیت‌های سیاسی علیه رژیم بعث، مدتی به دور از وطن و در غربت به سر می‌برد. روحیهٔ انقلابی شاعر، سروده‌هایش را کوبنده و

انتقادی ساخته است که نمونه‌های آن را در مجموعه «اللتّوار فقط» (تنها برای انقلابیان) شاهدیم. صراحت و تندی زبان شعر حسینی نیز که شاعری انقلابی به شمار می‌آید، در سروده‌هایش نمایان است. گاهی هم زبان شعر وی در آثاری چون «نوشداروی طرح ژنریک»، با طنز همراه گشته و مخاطب را به لبخندی متأملانه فرامی‌خواند.

هر دو شاعر در قالب سنتی و نو، اشعاری از خود برجای نهاده‌اند که اگر بخواهیم جان‌مایه مضامین آن‌ها را بیان کنیم، بی‌گمان موضوعاتی چون: وطن، آزادی، عدالت و پایداری، بیش از هر چیز خودنمایی خواهند کرد. بهره‌گیری از زبان رمز، دیگر ویژگی مشترک شعر هر دو است. این ویژگی در سروده‌های پایداری آن‌ها تبلور برجسته‌ای داشته و در عمق‌بخشی به شعرشان بس مؤثر بوده است. غالب نمادهای شعری هر دو، الگو گرفته از عناصر طبیعی است؛ نمادهایی همچون: باد، شب، صبح و باران از جمله واژگان نمادینی هستند که آن دو برای بیان اندیشه خویش به کار برده‌اند.

۳-۱. جمیل و حسینی در توسیم معانی و مفاهیم عاشورایی

پس از آشنایی مختصر با زندگی‌نامه و شخصیت ادبی هر دو شاعر، می‌توان به ویژگی‌های مشترک و متفاوت هر دو شاعر در دو مجموعه شعر «الحسین لغة ثانية» و «گنجشک و جبرئیل»، پرداخت:

۳-۱-۱. مجموعه شعر «الحسین لغة ثانية»

این مجموعه شعر، دربرگیرنده اشعار نو و کلاسیک است. شاعر در چهار بخش، با عنوان‌های «الرؤی» (رؤی‌ها)، «المشاهد» (صحنه‌ها)، «الأبعاد» (بعدها) و «التبوءات» (پیش‌بینی‌ها)، حادثه عاشورا را به تصویر کشیده است. تخیل قوی و ژرف او در این اثر، حادثه را چون نمایشی دل‌انگیز برابر بیننده به اجرا می‌گذارد که از نخستین پرده نمایش تا آخرین پرده «النبوءة الأخيرة» (پیش‌بینی پایانی)، نظم و پیوندی معنادار در آن دیده می‌شود؛ گویی شاعر با ماشین زمان روی به سوی گذشته نهاده و با واقعه همراه گشته است.

آنچه با نگاه نخست به این مجموعه قابل ذکر است، وحدت موضوعی آن است؛ به طوری که این کتاب از معدود مجموعه‌های شعری است که صرفاً به نهضت امام حسین (ع) اختصاص یافته است. شاعر در کنار وحدت کلی موضوع، تا حد بسیاری توانسته تنوع مضامین را حفظ کند و آن را از یکنواختی برهاند. از مهم‌ترین ویژگی‌های ادبی این مجموعه می‌توان موارد زیر را نام برد:

الف: جان بخشی به اشیاء (تشخیص)

شاعر در این مجموعه، ارتباطی عمیق با برخی از عناصر طبیعی برقرار ساخته است. وی به یاری این ترنم هنری که تشخیص یا آدم گونگی نام دارد، «پدیده‌های بی جنب و جوش را زندگی می‌بخشد و به تلاش و تکاپو درمی آورد؛ تا کوبندگی و نیروی بیش تری به سخن خویش بدهد» (کزازی، ۱۳۶۸: ۱۲۷). به عنوان نمونه، شاعر در «النبوءة التاسعة» (پیش بینی هفتم) خورشید، صحرا، ابر و باد را این گونه پویا و جاندار در صحنه به تصویر در آورده است:

«الشَّمْسُ تُعْرِفُ وَجْهَهُ النَّبَوِيَّ / وَالصَّحْرَاءُ قَدْ حَطَفَتْ عَذَابَهُ / وَبِكَفِّهِ اشْتَعَلَ النَّدَى الْمَجْنُونُ / وَاحْتَرَقَتْ سَحَابَةٌ / لَا تَحْمِلِي يَا رِيحُ صَرَخَتَهُ / إِلَى زَمَنِ التُّرَابِ...» (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۷)

ترجمه: خورشید، چهره نبوی گونه او را می شناسد و صحرا عذاب او را ربوده است. در دستان او شبنم، دیوانه وار شعله ور گشته است و ابر زبانه می کشد. ای باد! فریاد او را به زمان خاک نسیپارا!

ب: مضامین و موضوعات بدیع

نوآوری شاعر تنها محدود به بهره گیری الفاظ در جامه ای نو و ارتباط عمیق با آن نیست؛ بلکه به این وسیله گاه تصاویری نو می آفریند تصویر شرم و خجالت شمشیرها که قلب حماسه ساز کربلا را نشانه رفتند، از این جمله است:

«وَالسُّيُوفُ الَّتِي شَرِبَتْ قَلْبَهُ بِاشْتِهَاءٍ / طَمِئَتْ فَجَاءَةً... لَا لِمَاءٍ / بَلْ إِلَى قَطْرَةٍ مِنْ حَيَاءٍ!» (همان: ۱۳۸)

ترجمه: شمشیرهایی که بر قلب او باشتها وارد شدند، به ناگاه تشنه گشتند؛ نه برای آب؛ بلکه برای قطره ای از شرم!

انتظار منجی و فرارسیدن روز موعود نیز، از دیگر موضوعات بدیعی است که شاعر در میان مضامین عاشورایی بیان می کند:

الضَّحَايَا تَدِقُّ بَوَابَةَ الْوَحْشَةِ / فِيهِ، تَدْرِقُهَا... وَتَصْبِيحُ
سَيَجِيءُ الْحَسِينَ يَوْمًا، يَجِيءُ الْبَحْرُ / فِي حَطْوِهِ... يَجِيءُ الْمَسِيحُ

(همان: ۵۱)

ج: بهره گیری از نمادها

رویکرد شاعر به نمادها در تصاویر عاشورایی، از ویژگی های بارز این اثر است^(۱) «شاعر در این مجموعه شعری، همه چیز و همه کس را به سخن درمی آورد تا عظمت حادثه را بنمایاند و پیام واقعه را برساند؛ ولی در نهایت، همه و همه را عاجز و ناتوان می بیند و به دنبال زبانی دیگر می گردد؛ زبانی که او را به حقیقت حماسه حسینی رهنمون سازد» (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۸۲). وی در این مجموعه، از

زمزمه‌های آب، سوز باد، حسرت فرات و... گرفته تا شخصیت‌های حاضر در صحنه سخن می‌گوید تا عواطف درونی خویش را نسبت به حماسه بیان نموده و پیام آن را به مخاطب امروز برساند. در این راستا از نماد، اشاره و الهام مدد می‌جوید؛ برای نمونه، کلمه «ماء» (آب) ۴۳ مرتبه در این مجموعه به کار رفته است که گاه در معنای اصلی و گاه در معنای نمادین خود تبلور یافته است. یکی از معانی نمادین آب، پاکی، شویندگی و تطهیر است که در بیت زیر بیان گشته است:

«يَوْمَهَا كَانَ صَوْتُ الْحَسَنِ / يَهْوُ الْقُلُوبَ الصَّادِقِينَ / يَا إِلَهِي فَطَرَةَ مَاءَ جَرِيئِهِ / لَا لِأَطْفِي الْحَزَائِقِ فِي رِنِّي / وَلَكِنْ لِأَمْسَحَ لَوْنِ الْحَطِيبَةِ» (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۴۴).

۳-۱-۲. مجموعه شعر «گنجشک و جبرئیل»

دفتر شعر «گنجشک و جبرئیل»، در بردارنده ۳۰ سروده نیمایی و سپید شاعر است و در واقع آن را می‌توان شکل کامل‌تر کتاب «هم‌صدا با حلق اسماعیل» دانست. حسینی در این مجموعه، با نگاهی تازه به شعر مذهبی، فضایی نو ترسیم می‌کند. شاعر می‌کوشد آمیزه‌ای از سوگ، حماسه، عرفان، فرهنگ و تاریخ را عرضه کند و به این حماسه رنگی امروزی بخشد و «با لحنی که از آموزه‌های دکتر شریعتی رنگ گرفته، پنجره‌ای جدید برای تماشای دنیا از نگاه دین بگشاید» (نادمی، ۱۳۸۷: ۱۹). نگارنده «آغاز روشنایی آئینه» حسینی را «شاعری در تصرف شعر» می‌خواند و می‌نویسد: «خاستگاه شعر او مرکزی است در وجود او که بر همه کنش‌ها و واکنش‌های او، در سراسر زندگی او، حکومت می‌کند و او را در تصرف دارد و اگر بگویید که شاعرانی نظیر شاملو هم در تصرف شعرند؛ پس فرق چیست؟ می‌گوییم: او و شاملو در شعرهای ناب خود هر دو در تصرف شعرند؛ اما فرق بزرگ او و شاملو این است که آن مرکزی که در وجود حسینی همه چیز از جمله ذهن او را به تصرف می‌گیرد و یا به تصرف شعر درمی‌آورد، «الله» است» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۳۴).

از ویژگی‌های بارز این اثر، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف: وحدت موضوع

نخستین وجه تمایز این اثر، وحدت موضوعی آن است؛ به طوری که این کتاب از معدود مجموعه‌های شعری است که صرفاً به شعرهای آئینی و عمدتاً عاشورایی اختصاص دارد.

ب: ایجاز در تصاویر شعری

سراینده این مجموعه اگر به روایت می‌پردازد، آن را از کانال ایجاز عبور می‌دهد. روایت، پس از گذر از کانال ایجاز، به جای ذکر همه وقایع، فقط گوشه‌هایی از آن را به تماشا می‌ایستد؛ به عنوان مثال، شاعر تشنگی کودکان و به انتظار نشستن آن‌ها برای آب را در کمال ایجاز این گونه بیان می‌کند:

«و باد/ تو را با مشام خیمه‌گاه/ در میان نهاد/ و انتظار در بهت کودکانهٔ حرم/ طولانی شد» (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۸)

ج: کاربرد واژگان و عبارات امروزی

شاعر در این مجموعه، افزون بر استفادهٔ قالب شعر نو، به خاطر بهره‌گیری از الفاظ معاصر، پیوندی نو با عاشورا برقرار ساخته است. واژگان و تعابیری چون: «گلوگاه راه شیری»، «کهکشانش»، «جبهه»، «باروت»، «بولدزر»، «موعود»، «انتظار» و غیره، نشان دهندهٔ این امرند؛ به عنوان نمونه:

«اما من / دل به شما سپرده‌ام / به آفتابی که / از خاکتان برگرفت / و به صولت صدایی صاف / که پیشانی شما را / در جبهه‌ها / طواف کرد / دل به شما سپرده‌ام / به آفتابی / که از خاکتان برگرفت / و به غزلی ازلی / که به جانتان / جلای جاودانه عطا کرد» (همان: ۲۴)

د: بیان حماسی

از دیگر ویژگی‌های بارز این اثر، لحن حماسی و اثرگذار سروده‌هاست. این سبک بیان را بسیاری از ادبا درخور شعرهای آیینی می‌دانند تا این دست از سروده‌ها در جامعهٔ شکوهمند و فاخر خود تبلور یابند (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۴۴). شاعر در این مجموعه، نه در راه افراط و مبالغه‌گویی می‌پوید و نه در مسیر تفریط؛ بلکه با زبانی حماسی سعی در بیان شکوه آن حادثه دارد. برای مثال در شعر «راز رشید»، شاعر با به کارگیری «تشخیص» و استفادهٔ لفاظی چون: «رشید»، «کوه» و «کمر»، به شعر بیانی حماسی بخشیده است:

«به گونهٔ ماه / نامت زبانزد آسمان‌ها بود / و پیمان برادری‌ات / با جبل نور / چون آیه‌های جهاد محکم / تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورد / و ساعتی بعد در باران متواتر پولاد / بریده‌بریده / افشا شدی / و باد / تو را با مشام خیمه‌گاه / در میان نهاد / و انتظار در بهت کودکانهٔ حرم / طولانی شد / تو آن راز رشیدی / که روزی فرات / بر لب آورد / و کنار درک تو کوه از کمر شکست» (همان: ۳۸).

۳-۲. مقایسه و تطبیق

برجسته‌ترین وجوه اشتراک و افتراق این دو اثر به شرح زیر است:

۱. نوگرایی در مضامین، توصیف و صحنه‌پردازی، ویژگی مهم سروده‌ها در این دو مجموعه است. با اندکی دقت در آن‌ها درمی‌یابیم که برخلاف بیش‌تر شعرهای عاشورایی که تنها بر جنبه‌های رثا یا مدح تأکید داشته‌اند، این دو مجموعه با مفاهیمی تازه مانند عشق، پایداری، جاودانگی، حماسه و انتظار گره

خورده‌اند. نگاه آن‌ها متفاوت از گذشته است. بیشتر سروده‌ها رنگ و بوی حماسه را می‌دهند تا رثا یا مدح محض؛ از همین رو، جواد جمیل امیدوار است خوانندگان، اثر وی را مدح صرف ندانند:

«وَهَذِهِ الْمَلْحَمَةُ الَّتِي كَتَبْتُهَا هِيَ خَالَةٌ أُمَّتِي أَنْ يَقْرُوهَا الْقَارِيءُ بِلا بَعْدٍ مَدْحِيٍّ أَوْ إِطْرَائِيٍّ لِأَنِّي أَمَامَ شَخْصِيَّةٍ فَاقَتْ الْمَدْحَ وَالْإِطْرَاءَ وَكَلِمَاتِ الْقَامُوسِ الْجَمِيلَةِ» (http://baharinonline.org).

۲. بهره‌گیری از نمادها، ویژگی دیگر این دو اثر است. رویکرد هر دو مجموعه به نمادها در تصاویر عاشورایی، از ویژگی‌های بارز این دو اثر است. نماد که در زبان انگلیسی از آن با عنوان سمبل^۱ یاد می‌شود، «هر علامت، اشاره، کلمه، ترکیب و عبارتی است که بر معنی و مفهومی و رای آنچه ظاهر آن می‌نماید، دلالت دارد» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۴). در این دو مجموعه، شاعر گاه صریح و مستقیم و گاه با بیانی نمادین، از واقعه کربلا، شجاعت‌ها، دلیری‌های قهرمانان و از تأثیر آن بر حماسه‌سازی‌های رزمندگان سخن می‌گوید که دریافت معنای آن‌ها اغلب نیاز به تأمل خواننده دارد.

۳. از دیگر ویژگی‌های مشترک این دو مجموعه، می‌توان به بهره‌گیری از معانی نو، تشبیهات و توصیفات بدیع هر دو شاعر اشاره کرد که دو مثال زیر از آن جمله‌اند:

«فَحِينَ دَفَنْتُ الْحُسَيْنَ رَأَيْتُ النُّجُومَ/ تَسِيلُ عَلَيَّ وَجْهَهُ، وَالغَيْوَمُ/ تَلْفُ بِجِرَاحَاتِهِ/ وَالنِّهَارُ/ تَضَاءَلُ حَتَّى تَوَارَى بِجَفَنِ الْحُسَيْنِ!» (جمیل، ۱۹۹۶: ۸۰)

«اینک قاریان قبیله من / تارهای صوتی خود را / به روایت تو / شانه می‌زنند / ای معلم سوم! و چه فصیح می‌دانند / تاریخ حماسه‌های بلیغ / از آوردن یک سوره / مثل نگاه تو / تا حشر عاجز است» (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۰)

۴. از ویژگی‌هایی که در سروده‌های جمیل، بیشتر از اشعار سید حسن حسینی خودنمایی می‌کند، بهره‌گیری از عنصر رنگ است. این رنگ‌ها نه تنها حامل معانی و دلالت‌های متنوعی هستند؛ بلکه در شکل‌گیری تصاویر شعری شاعر تأثیری برجسته دارند. از پُربسامدترین رنگ‌های این مجموعه، رنگ خاکستری است که ۲۶ مرتبه به کار رفته است. مفهومی که این رنگ در اشعار بیان می‌کند، پلیدی روزگار در زمان امام (ع) و آمیختگی نیرنگ و ریا با وجود غالب مردم آن دوران است. در «الرُّؤْيَا الرَّابِعَةُ» (رؤیای چهارم) این فضای آلوده در پیکر جامعه، با رنگ رمادی (خاکستری) بیان شده است:

لَيْسَ فِيهِ سِوَى غُمُوضٍ رَمَادِيٍّ وَمَا حَبَّتْ عُيُونُ الصَّحِيَّةِ

(همان: ۲۱)

ترجمه: در آن (جامعه) جز پیچیدگی‌های خاکستری رنگ و آنچه چشمان قربانیان پنهان کرده‌اند، چیزی وجود ندارد.

شایان ذکر است که افزون بر وجود رنگ‌هایی چون: سبز و سفید (هر کدام ۴ بار) و قرمز و سیاه (هر کدام ۳ مرتبه)، واژگانی در این مجموعه به کار رفته است که الهام‌گر برخی از رنگ‌ها هستند؛ واژگانی مانند لیل (شب)، صبح، شمس (خورشید) و ضوء (نور) از آن جمله‌اند. لفظ «لون» (رنگ) نیز با تمام مشتقاتش ۱۵ بار در این مجموعه به کار رفته است. دربارهٔ مجموعه «گنجشک و جبرئیل»، باید گفت که عنصر رنگ کاربرد گسترده‌ای در آن ندارد و تنها بسامد برخی از رنگ‌ها، چون رنگ سرخ، در (۸ مورد) دیده می‌شود.

۴. مضامین برجستهٔ دو مجموعه

مقصود از درون‌مایه و مضمون در آثار ادبی، عبارت از «فکر اصلی و مسلط در هر اثری است؛ خط یا رشته‌ای که در خلال اثر کشیده می‌شود و موقعیت‌های داستان را به هم پیوند می‌دهد... درون‌مایهٔ هر اثری، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (داد، ۱۳۸۷: ۲۱۹). در این بخش، به مهم‌ترین مضامینی که هر دو شاعر در اشعارشان به آن‌ها التفات داشته‌اند اشاره می‌کنیم و به وجوه تشابه و تفارق هر دو می‌پردازیم:

۴-۱. تشنگی حقیقی

یکی از موضوعات مطرح در این دو مجموعه، موضوع تشنگی است. جمیل در سرودهٔ «المشهد الثامن»، صحنهٔ هشتم، آرزو و سوگ پرندگان و ابرها در غم تشنگی حسین (ع) را این گونه بیان می‌دارد:

«عِنْدَمَا مَاتَ الْحُسَيْنُ / ظَامِنًا / صَارَتْ عَصَافِيرُ الْبَحَارِ / تَتَمَتَّى الْإِنْتِحَارَ / وَتَمَّتَّى الْغَيْمُ لَوْ أَصْبَحَ شَيْئًا هَامِشِيًا / كَالغِبَارِ [...]»
(جمیل، ۱۹۹۶: ۷۶-۷۷)

ترجمه: آن‌گاه که حسین با لبان تشنه جان داد، گنجشکان دریا به فکر خودکشی افتادند و ابرها دوست داشتند تا به چیزی بی‌ارزش تبدیل شوند؛ چیزی مانند غبار. آن روز ما هیچ معنایی نداشتیم؛ مانند کسی که تصویری از قلب به دیوار می‌کند.

تشنگی حقیقی از نگاه او، تشنگی دشمن است. وی در تصویری زیبا در شعر «البعده الخائف» از تشنگی برخی از افراد دشمن می‌گوید:

عَطَشٌ كُلُّهَا حِكَايَاتُ رُوحِي وَصَدَىٰ أُنْتِي بِهَا مَكْبُوتُ
فَاخْفَرِي فِي الرَّمَادِ بِنُورًا لِكِي يَطْلُعَ مَاءً مِنْ مَلْجِهٍ مَنْخُوتُ
رَبِّمَا قَطْرَةً تَمُرُّ بِشَرِيَانِي فَأَنْسَى... وَأَنْطَفَى... وَأُمُوتُ

(همان: ۱۰۰)

لحن شاعر «گنجشک و جبرئیل» نیز در بیان این موضوع آمیخته با حماسه است: «هنگام که دلت / آن موزه عتیق عطش را / به جرعه‌ای / لاجرعه و گوارا / تهدید می‌کردند / چه برکت / فریاد آبی تکبیر / از دل تمام دریاها بلند بود» (حسینی، ۱۳۸۶: ۷۵) باید گفت، جمیل بیشتر از شاعر «گنجشک و جبرئیل»، به تشنگی و عطش کودکان توجه دارد و در ترسیم این نوع از تصاویر توفیق داشته است؛ حال آنکه حسینی تنها در یک مورد به تشنگی کودکان اشاره کرده است:

«مَنْ يَمْنَحُ الطِّفْلَا قَطْرَةً مَاءٍ مَرَّةً؟ / مَنْ يَمْنَحُ الطِّفْلَا / فَلَيْسَ فِي خِيْمَتِنَا شَيْءٌ / سِوَى جَنَائِزِ الْقَتْلَى!» (جمیل، ۱۹۹۶: ۵۷). ترجمه: چه کسی به این کودک قطره‌آبی تلخ می‌بخشد؟ که بر کودک می‌بخشد؟ در خیمه‌های ما چیزی جز جسم کشته‌شدگان نیست!

و حسینی نیز چنین سروده است:

«و باد / تو را با مشام خیمه‌گاه / در میان نهاد / و انتظار در بهت کودکانه حرم / طولانی شد» (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۸)

۴-۲. بیان جاودانگی و پیروزی حقیقی

با نگاهی به این دو مجموعه، این موضوع به سهولت دریافت می‌شود که حماسه حسینی (ع) با شهادت رنگین‌تر و پایدارتر شده است. هر دو شاعر سعی در بیان جاودانه بودن این حماسه داشته‌اند. به نظر می‌رسد مهم‌ترین علت این امر، بهره‌گیری هر دو شاعر از فرهنگ غنی اسلامی است؛ آن چنان که در کتاب هدایت آمده است: «وَلَا تُحْسَبَنَّ الدِّينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» (آل عمران / ۱۶۹). حماسه سرخ او، مدرسه عشاق جاودانگی است و بلندهمتی آنان زبان زمانه ستمگر را بازداشته است:

مَنْ قَالِ إِنَّ اللَّيْلَ قَدْ دَفَنَ الْوَادِي
هَذَا صَهْلُ الْحَيْلِ يُغْلِبُنْ مِنْ يِلَادِي

(همان: ۱۳۱)

ترجمه: که گفت تاریکی شب آن دره (فضای جامعه) را فراگرفت؟ این شیبهٔ اسب‌ها توگد مرا خبر می‌دهند.

و همچنین: «لا تبحتوا فخلف کلّ جرح/ عصفورةٌ تُبئکم عن صبح!» (همان: ۱۳۷)

ترجمه: (مرا) جستجو نکنید؛ زیرا در پشت هر زخم گنجشکی است که شما را از صبح آگاه می‌کند.

و در گنجشک و جبرئیل:

«دل به شما سپرده‌ام/ به آفتابی/ که از خاکتان برگرفت/ و به غزلی ازلی/ که به جانان/ جلای جاودانه

عطا کرد» (همان: ۲۴)

۴-۳. ظلم‌ستیزی و شهادت‌طلبی

یکی از موضوعاتی است که در این دو مجموعه نمودی بارز دارد. ظلم‌ستیزی، استقامت و سازش

ناپذیری، یگانه‌روزی است که شاعر عصر کنونی آن را پیش روی آزادگان گیتی ترسیم می‌نماید و

امام حسین (ع) را پرچم‌دار آن معرفی می‌کند:

«مَنْ قَالَ إِنَّ الرِّمَاحَ الَّتِي خَطَفْتُ قَلْبَهُ/ انتصرت؟/ لم يزل في خيام الحسين رماد/ وكسرة سيفٍ ورفض! لم يزل في وريد الحسين

المقطع نبض!» (همان: ۱۴۵)

ترجمه: چه کسی گفت نیزه‌هایی که قلبش را ربودند پیروز شدند؟ در حالی که در خیمه‌گاه حسین هنوز

خاکستر، تگه شمشیر و سازش‌ناپذیری هست، هنوز در رگ بریدهٔ حسین نبض وجود دارد.

«نه، هرگز/ بر گلوی مبین تو/ انکار خنجر و زوین/ خدشه‌ای وارد نکرد/ هنوز رسا و بلندی: الف لام،

میم...» (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۱)

و حسینی در جایی دیگر، خود را از ترسیم این حماسهٔ بزرگ ناتوان می‌بیند:

«با من بگوئید تکلیف ناتوان حماسه/ غیر از سکوت/ در قبال ملکوت نام شما چیست؟/ دریا کرانه تا

کرانه میزبان شماست» (همان: ۲۴)

۵. توجه به شخصیت‌های عاشورایی

بی‌تردید ترسیم حماسهٔ حسینی بدون توجه به ابعاد شخصیتی حماسه‌سازان امکان‌پذیر نیست. در این

راستا جواد جمیل و سید حسن حسینی، توجه ویژه‌ای به ویژگی‌های شخصیت‌ها داشته‌اند. با بررسی و

مقایسه این ویژگی‌ها می‌توان به تشابه و تفاوت‌های نگاه هر دو شاعر پی برد. در شعر جمیل، در قسمت

«ابعاد» از افرادی چون: عبدالله بن جعفری، شمر، عمر بن سعد، مالک بن نسر، شیب بن ربیع، حرمله بن

کاهل و سنان بن انس یاد شده است. امام حسین (ع)، حضرت علی اصغر (ع) و حر نیز از شخصیت‌هایی

هستند که شاعر از آن‌ها سخن می‌گوید. نام مبارک حضرت ابا عبدالله در این مجموعهٔ شعری ۳۸ مرتبه

تکرار شده است. شاعر برای توصیف شخصیت‌ها، گاه «به درون اشخاص راه می‌یابد و تلاش می‌کند روحيات مثبت و منفي آنها را در حادثه توصيف کند؛ احساساتشان را از درونشان بیرون کشد و بر زبانشان جاری می‌سازد، این همان زبان دوّم و تأثیرگذار است. او شخصیت‌های پیروز و شکست خورده، خوب و بد، زشت و زیبا را نه از نگاه بیرونی؛ که از عمق جانشان به خواننده معرفی می‌نماید» (خزعلی، ۱۳۸۳: ۱۸۳). حسینی نیز مانند جمیل، به ترسیم ابعاد شخصیت‌های حاضر در صحنه پرداخته است؛ با این تفاوت که او نقش قمر بنی‌هاشم (ع)، حضرت زینب (س) و علی‌اصغر (ع) پررنگ‌تر می‌داند و در بیشتر موارد، به ذکر اوصاف آنها بدون ذکر نامشان بسنده کرده است:

«به گونه ماه/ نامت زبازرد آسمان‌ها بود/ و پیمان برادری‌ات/ با جبل نور/ چون آیه‌های جهاد، محکم» (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۸)

کلمه «ماه» استعاره از حضرت ابوالفضل (ع) و «جبل نور» استعاره از سیدالشهداء (ع) است. حسینی در این شعر، به سقایی حضرت (ع) و وفاداری و غیرت که از جنبه‌های بارز شخصیتی وی است، اشاره می‌کند:

«تو آن راز رشیدی/ که روزی فرات/ بر لب ت آورد/ و در کنار درک تو/ کوه از کمر شکست» (همان: ۳۸)

با شهادت آب آور رشید بود که حسین (ع) فرمود: «الآن قد انکسر ظهري».

حسینی حضرت زینب (س) را با ویژگی «صبوری» که از برجسته‌ترین ویژگی‌های شخصیتی آن حضرت (س) در این حماسه است، ترسیم می‌کند:

«تاریخ زن/ آبرو می‌گیرد/ وقتی پلک صبوری می‌گشایی/ و نام حماسی‌ات/ بر پیشانی دو جبهه نورانی می‌درخشد: زینب!» (همان: ۶۷)

همان‌طور که مشاهده می‌شود، حسینی با این شیوه بیان، که با وجود فنی بودن، زیبا و روان است، تصاویر جدید و بدیعی از شعر عاشورا ارائه می‌دهد که در ساخت شعرهای سنتی گذشته نیامده و مخصوص به شعر نو است. او درباره شهادت حضرت علی‌اصغر (ع) این‌گونه با تلیق آرایه‌ها دست به ساختن تصویری بدیع می‌زند:

«ستاره‌ها یک‌یک - سرخ - / سوسو زدند/ و با سه شعله/ گلوگاه راه شیری شکافت/ و آرام‌آرام/ از کارگاه پلکی روشن تراش/ سرنوشت مجهول آسمان/ آفتابی شد.../ هنوز، تقدیر کهکشانی‌های ناملموس/ برمدار/ خون دنباله‌دار تو/ احساس می‌شود» (همان: ۱۴)

موسوی گرمارودی در شرح این سطور می‌نویسد: در این بخش از شعر، شاعر ماجرای شکافته شدن گلوی حضرت علی اصغر (ع) شیرخوار را با تیر سه شعبهٔ حرمله در کربلا، تنها با چهار کلمه «سه شعله»، «گلوگاه»، «راه شیری» و «شکافت» تصویر می‌کند؛ یعنی هم از تلمیح به این حادثه بهره می‌برد و هم با شگرد خاص خود از نوعی ایهام تناسب بهره می‌گیرد... به نظر می‌رسد شاعر واقعه را از زمین به آسمان و از کربلا به کهکشان می‌کشاند تا ابعاد حماسی آن را ترسیم کند» (موسوی گرمارودی، ۱۳۸۸: ۴۵).

در دیوان جواد جمیل، به بسیاری از ویژگی‌های دشمنان اشاره شده است. همان‌گونه که پیش‌تر آمد، شاعر در ترسیم ابعاد شخصیتی آن‌ها خود به درون اشخاص راه یافته و از منظر آن‌ها حادثه کربلا را توصیف می‌کند. شمر، عمر بن سعد، حرمله بن کاهل و مالک بن نسر از جمله افرادی هستند که شاعر به توصیف ابعاد شخصیتی آن‌ها می‌پردازد. شاعر، حرمله قاتل علی اصغر (ع) را آواره در کوچه‌های کوفه توصیف می‌کند که از چشم کودکان هراس دارد و از زمانی که حضرت را به شهادت رسانده، قادر به زندگی و مرگ نیست:

«وَمُنْدُ أَنْ قَتَلْتُهُ... / غَرَقْتُ فِي بُحَيْرَةِ مِنْ دِمِهِ الْمَوْتِ / فَلَا أَقْدُرُ أَنْ أَحْيَا / وَلَا أَقْدُرُ أَنْ أَمُوتَ!» (جمیل، ۱۹۹۶: ۱۱۵)

در مجموعه شعر حسینی، دشمنان نمود کمتری دارند. شاعر برای تصویرسازی آن‌ها از تعابیری همچون: «ازدها»، «گرگ فتنه» و «کوسه‌ها» بهره می‌گیرد:

«دلت په‌نهٔ آزمون خدا بود / اگرچه تو از پیش در حلقهٔ محاصره / دندان براق گرگ‌ها را / حدسی روشن زده بودی / و می‌دانستی / آروارهٔ آب / در هجوم خشک اشقیا / کلید خواهد شد» (حسینی، ۱۳۸۶: ۵۸)

«دندان براق گرگ‌ها» و «هجوم خشک اشقیا»، اشاره به طمع، درنده‌خویی و بستن آب بر روی یاران حسین دارد و دوباره در توصیف یزیدیان، واژهٔ گرگ را به کار می‌برد:

«با هیهای مشرقی‌ات / ای شبان داغدار! / یک گله گرگ / با زوزه‌های متواری عقب نشست / و آفتاب / بر سرنوشت مبهم محراب / روشنگرانه تأیید» (همان: ۷۵-۷۶)

۶. نتیجه

۱. با گذر از سروده‌های این دو شاعر در مجموعه شعرشان به نظر می‌رسد، این دو مجموعه در کنار وحدت کلی موضوع تا حد بسیاری از تنوع مضامین و درون‌مایه بهره برده‌اند. نگاه همه جانبهٔ آن دو به چیستی حادثه و تلاش برای الگوگیری از این حماسه و پیوند آن با امروز، از ویژگی‌های کلی این دو مجموعه است.

۲. به نظر می‌رسد با وجود تشابه در موضوعات و مضامین این دو مجموعه شعری، جواد جمیل موضوعات شعری خویش را به صورت گسترده و موشکافانه‌تری ترسیم کرده است؛ در حالی که ایجاز در بیان، ویژگی بارز اثر سید حسن حسینی است.

۳. در ترسیم شخصیت‌های حماسه، شاعر «الحسین لغة ثانية» با اختصاص بخشی از مجموعه شعر خود به نام «ابعاد» ویژگی افراد را جزئی‌تر ترسیم نموده است؛ حال آنکه در شعر حسن حسینی توجه به شخصیت‌ها کلی و گذراست.

۴. هر دو شاعر، برای بیان مفاهیم ذهنی و آفرینش تصاویر مورد نظر خویش، به نمادگرایی روی آورده‌اند؛ از این رو گاه دریافت معنای سروده‌های آن‌ها دشوار می‌نماید.

پی‌نوشت‌ها

(۱) برای آشنایی با مهم‌ترین نمادهای به کار رفته در این مجموعه، به مقاله «نمادپردازی در شعر مقاومت جواد جمیل» اثر نرگس انصاری رجوع شود.

کتابنامه

الف: کتاب‌ها

۱. پروینی، خلیل (۱۳۹۱)؛ *الأدب المقارن (دراسات نظرية وتطبيقية)*، تهران: سمت.
۲. پورنامداریان، تقی (۱۳۶۷)؛ *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: علمی و فرهنگی.
۳. ترابی، ضیاءالدین (۱۳۸۱)؛ *شکوه شقایق (نقد و بررسی شعرهای دفاع مقدس)*، قم: مؤسسه فرهنگی سما.
۴. جمیل، جواد (۱۹۹۱)؛ *للتوار فقط*، بیروت: دار الفرات.
۵. ----- (۱۹۹۱)؛ *يسألونك عن الحجارة*، بیروت: دار الفرات.
۶. ----- (۱۹۹۶)؛ *الحسين لغة ثانية*، قم: *المجمع العالمي لأهل البيت (ع)*.
۷. حسن، عبدالله (۱۴۱۸)؛ *ليلة عاشوراء في الحديث والأدب*، بی‌جا.
۸. حسینی، حسن (۱۳۸۶)؛ *گنجشک و جبرئیل*، تهران: افق.
۹. ----- (۱۳۸۷)؛ *نوش داروی طرح ژنریک*، تهران: *سوره مهر*.
۱۰. ----- (۱۳۸۸)؛ *هم‌صدا با حلق اسماعیل*، تهران: *سوره مهر*.
۱۱. خزعلی، انسیه (۱۳۸۳)؛ *امام حسین (ع) در شعر معاصر عربی*، تهران: *امیرکبیر*.
۱۲. ذوالفقاری، حسن (۱۳۸۶)؛ *سودلبران (معرفی چهره‌های ادب معاصر ایران)*، تهران: *مازیار*.
۱۳. کافی، غلامرضا (۱۳۸۶)؛ *شرح منظومه‌ی ظاهر: نقد و تحلیل شعر عاشورایی از آغاز تا امروز*، تهران: *مجتمع فرهنگی عاشورا*.
۱۴. کرآزی، میرجلال‌الدین (۱۳۶۸)؛ *زیباشناسی سخن پارسی: بیان*، تهران: *نشر مرکز*.

۱۵. محمدزاده، مرضیه (۱۳۸۳)؛ دانشنامه شعر عاشورایی: انقلاب حسینی در شعر شاعران عرب و عجم، ۲ ج، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۱۶. مکی، طاهر احمد (۱۴۱۴)؛ مقدمة في الأدب الإسلامي المقارن، بی‌جا، عین للدراسات والبحوث الانسانية والاجتماعية.

۱۷. موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۸)؛ آغاز روشنایی آئینه، تهران: سوره مهر.

۱۸. نادمی، احمد (۱۳۸۷)؛ شمشیر باستانی شرق (با خاطره شاعر حماسه‌ها و دریغ‌ها، سید حسن حسینی)، تهران: هنر رسانه اردیبهشت.

۱۹. نخبة من الباحثين العراقيين (۱۹۸۵)؛ حضارة العراق، الجزء الثالث عشر، بغداد: دارالحرية.

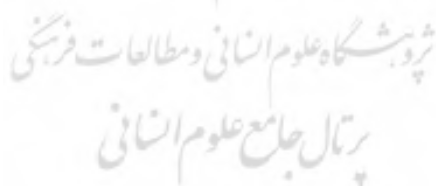
۲۰. هیئة المعجم (۱۹۹۵)؛ معجم البابطين للشعراء العرب، الصفاة (کویت): دارالقبس.

ب: مجله‌ها

۲۱. انصاری، نرگس (۱۳۹۲)؛ «نمادپردازی در شعر مقاومت جواد جمیل»، مجله علمی - پژوهشی انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره بیست و هشتم، صص ۴۱-۶۲.

ج: منابع مجازی

<<http://bahrainonline.org/showthread.php?t44238>



الملحمة الحسينية في ضوء الأدب المقارن نظرة إلى المجموعتين الشعريتين الحسين لغة ثانية وكنجشك وجبرئيل^١

سيّد رضا نجفي^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة أصفهان، ايران

اصغر شهبازي^٣

طالب دكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة أصفهان، ايران

الملخص

الملحمة الإمام الحسين (عليه وآله آلاف التحية والسلام) العظيمة صدى واسع وعظيم في الصعيد الأدبي، حيث تأثر كثير من الأدباء والشعراء بمفاهيمها السامية وقيمها العظيمة واتخذوها كمثل أعلى للإباء والتضحية ورمزاً للحرية والكرامة. نستطيع أن نقوم بدراسة ونقد هذه الأشعار من منظار الأدب المقارن للحصول على الوجوه المشتركة والمضامين المختلفة. في المقال هذا نحاول أن نلقي الضوء على ما أنشده جواد جميل وحسن حسيني كمثلي الشعر الحسيني، في الأدبين العربي والفارسي. يعتبر جواد جميل من أبرز الشعراء العراقيين الذين قاموا بتصوير هذه الملحمة وشخصياتها العظيمة بلغة رمزية. وأما حسيني إضافة إلى استخدامه الكثير من الرموز الشعرية، فيحاول إعادة قراءة الملحمة من جديد، ويربطها بأحداث يومنا هذا. من خلال هذه الدراسة يبدو لنا أن أشعارهما إضافة إلى الاشتراك في بعض المضامين والموضوعات، تميل إلى الغموض والإبهام لكثرة استخدام الرموز الشعرية.

الكلمات الدلالية: جواد جميل، حسن حسيني، الأدب المقارن، الملحمة الحسينية.

١. تاريخ الوصول: ١٣٩٢/٥/١٧

٢. العنوان الإلكتروني للكاتب المسؤول: Rezanajafi84@yahoo.com

٣. العنوان الإلكتروني: Aliasghar.shahbazi@gmail.com

١. تاريخ القبول: ١٣٩٢/٧/١٥